

سوابقی همچون مدیریت حوزه علمیه قم، عضویت در شورای نگهبان، نمایندگی مجلس خبرگان در دوره سوم از استان تهران، سرپرستی کتابخانه مسجد اعظم قم، عضویت در هیئت امنای دایره المعارف اسلامی، عضویت در هیئت مدیره مؤسسه در راه حق، عضویت در مشاوران کتابخانه آستان قدس رضوی و عضویت در شورای عالی حوزه، هر کدام به تنهایی کافی است تا انگیزه‌های برای یک گفتگوی صمیمی با حضرت آیت‌الله استادی، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم باشد. در این گفتگو بیشتر به تجربه‌های شخصی ایشان در مسیر طلبگی و نگاه ایشان به دغدغه‌های امروزیین طلاب جوان پرداخته شده است.

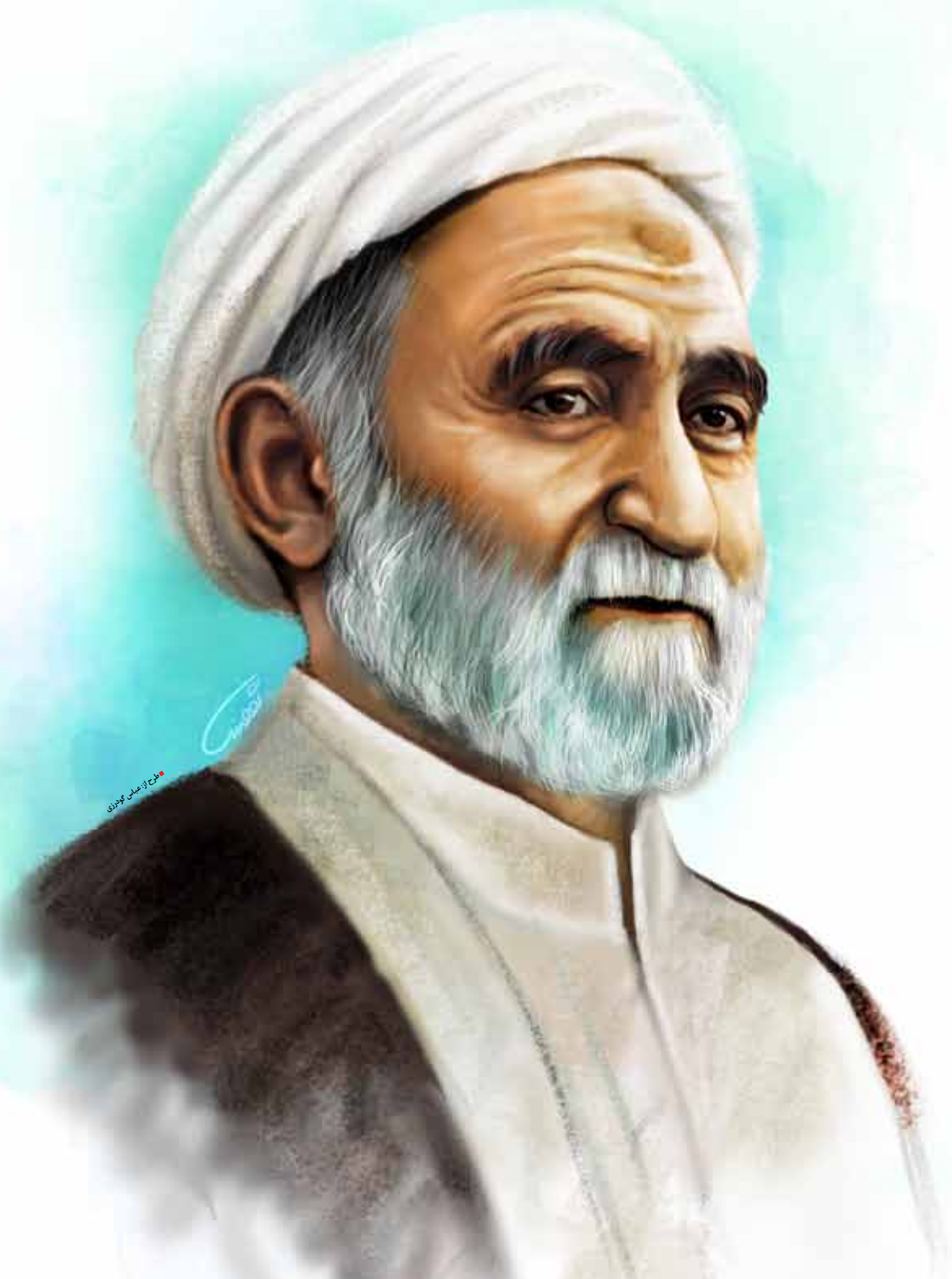
■ لطفاً از آغاز طلبگی خود برای ما بگویید. چه انگیزه‌های باعث شد در این مسیر وارد و ماندگار شوید؟

در خانواده‌های اهل نماز و روضه و زیارت به دنیا آمدم و دوران تحصیل ابتدایی را در مدرسه‌های غیردولتی به پایان رساندم. پس از آن نه خود متوجه بودم که چه راهی به سود من است و نه دیگران؛ زیرا پدر و مادر درگیر اداره یک عائله چند نفره بودند. زمان می‌گذشت و معلوم نبود اگر وضعیت به همان منوال گذشته بود، اکنون در کجا و در چه شرایطی بودم؟ لطف خدا - فکر می‌کنم به خاطر اینکه پدرم اهل خیر بود - توسط یکی از آشنایان پدرم شامل حال شد و با راهنمایی او با مسجد و مدرسه و درس و بحث آشنا شدم. شاید ماه رمضان بود که مرتب مسجد رفتم و در آنجا جذب جوانان و نوجوانانی که در مسجد آیت‌الله حاج میرزا عبدالکریم حق شناس (ره) بودند، شدم. به کمک برادر بزرگترم که او هم همزمان با من با همان مسجد آشنا شده بود، مسیرمان ادامه پیدا کرد. در آن مسجد برخی جوانان کتاب‌های مقدمات طلبگی می‌خواندند. با اینکه سابقه آن درس‌ها را نداشتم، ناخودآگاه به شرکت در آن درس‌ها علاقه‌مند شده و کمکم با مدرسه مروی مسجد آیت‌الله مجتهدی (ره) و مسجد حاج سیدعزیزان بازار، آشنا و طلبگی من آغاز شد. ارتباطم با رفقای قبلی که زیاد هم نبودند و همه مانند من سرگردان بودند، ترک شد. با این جمع دوست‌داشتنی رفیق شدم. با هم اردوی ییلاق می‌رفتیم و به قم و مشهد مسافرت داشتیم. در مشهد با آیت‌الله حاج میرزا عبدالعلی طهرانی - پدر آیت‌الله حاج آقا مجتبی - که در آن تاریخ مقیم مشهد بود، آشنا شدیم. جمع خوبی بود. همین جا باید عرض کنم نوجوان و جوان، طلبه و دانشجو، بیشترین توفیق را در آغاز کار از همین رفاقت‌های خوب و دینی و مؤثر به دست می‌آورد و در مقابل هم ممکن است بیشترین آسیب از ناحیه دوستان نادان و سردرگم و ولگرد و غیرمذهبی به او وارد شود. باید به خدا پناه برد و از او خواست که خود، جوانان، طلاب و دانشجویان ما را از آسیب‌ها حفظ کند و در مسیر هدایت و بندگی و رشد و کمال قرار دهد. خدا را شاکرم که همواره از اینکه در این راه قرار گرفتم خوشحال بودم. تنها گاه‌گاهی به دلیل اینکه شاید از این نعمت بزرگ خوب بهره‌برداری نکرده و موجب نارضایتی خدای متعال شده باشم، با خود می‌گویم: ای کاش از عوام بودم و مانند دیگران زندگی می‌کردم و این مسئولیت سنگین به عهده‌ام نبود که شرمنده باشم. هر حال استغفرالله و اتوب الیه.

■ در دوره طلبگی خود، با کدام استاد انس بیشتری داشتید؟ معاشرت غیردرسی شما چگونه بود؟

حدود بیست سال درس می‌خواندم یا در درسها حاضر می‌شدم. استادانم در مقدمات و سطح و خارج، شاید از بیست نفر بیشتر باشد؛ اما چون بیشتر در درس‌های عمومی شرکت می‌کردم و در این درس‌ها اهل اشکال کردن و گفتگو با استاد نبودم - ظاهراً به خاطر اینکه در جمع خجالت می‌کشیدم - با آنان ارتباط و انسی نداشتم و شاید بیشتر آنها بنده و از قبیل بنده را با اسم و رسم نمی‌شناختند. در میان استادان در آغاز بیشتر با آیت‌الله حق شناس و کمتر با آیت‌الله مجتهدی ارتباط داشتم. در قم با آیت الله ستوده مدرس معروف شرح لمعه آن زمان و آیت‌الله حاج آقا محمد شاه‌آبادی و آیت‌الله سبحانی که در درس تفسیر ایشان شرکت می‌کردم، تقریباً خودمانی و مأنوس و مجذوب بودم و این ارتباط بیشتر به دلیل این بود که آنها خود گرم می‌گرفتند. از قدیم هم گفته‌اند:

تا که از جانب معشوق نباشد کشتی
کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد.



|| گفتگوی صمیمی با حضرت آیت الله استادی (دامت برکاته) ||

اگر امروز آغاز ورودم به حوزه بود...



به خصوص اگر کوششی هم نباشد.

در میان استادان درس خارج فقط با آیت‌الله العظمی حاج آقا حسن فرید اراکی به دلیل اینکه خانه ما نزدیک خانه ایشان بود و در درس ایشان شرکت می‌کردم، انس داشتم و این انس مشوق من بود و باعث انگیزه و پیگیری من در درس و بحث می‌شد. البته درس ایشان خلوت بود و پس از تبعید امام خمینی به ترکیه برخی از فضایی آن روز مانند آیت‌الله حاج آقا مرتضی تهرانی در درس ایشان شرکت می‌کردند. خلاصه اگر امروز ارتباط معنی‌دار بین استادان و شاگردان کم است، باید آن را اصلاح کرد؛ زیرا این نقطه ضعف سابقه داشته است.

■ طلاب علوم دینی در زمان ورود شما به حوزه، با چه مشکلات معیشتی روبه‌رو بودند؟ شما چگونه با مشکلات معیشتی خود کنار آمدید؟

چون وضع مالی پدرم (رحمه الله علیه) خوب بود و از طلبه شدنم راضی بود، در طول سالیان دراز، زندگی معمولی بنده تأمین بود و تنها سه مورد پیش آمد که تلخی نداری و نیاز را چشیدم و آن هم زود برطرف شد. همین که ازدواج کردم، پدرم خانه‌ای برایم خرید و از این جهت هم هیچ‌گاه مستأجر نبودم و این تلخی را هم نچشیدم؛ اما بیشتر طلاب که دوستان تهرانی ما هم جزء آنها بودند، ابتدا مستأجر بودند و حتی خانه مستقل هم نمی‌توانستند اجاره کنند و در این خانه و آن خانه با اجاره کردن یک اتاق روزگار می‌گذراندند. گاهی هم در راه‌های دور از مرکز شهر زندگی می‌کردند و از حیث هزینه‌ها هم وابستگی شدید به شهریه و مانند آن داشتند. در یک جمله زندگی راحت یا مرفه با مرضی خانواده‌ها و همسران نداشتند؛ ولی ناراحتی محسوس از آنها دیده نمی‌شد و به عبارت دیگر به همان زندگی راضی بودند و کمتر از نبود رفاه شکایت می‌شد. این جمله آخر امتیاز آن دوران بود؛ یعنی نداری با عدم شکایت. فقر با راضی بودن نسبی توأم بود. شاید علت عمده این حالت این

بود که هم خود طلاب و هم خانواده‌ها و همسران می‌دیدند که همه همین‌طور هستند. برای نمونه استاد ما آیت‌الله ستوده در بخشی از عمر خود در یک اتاق اجاره‌ای با همسرش زندگی می‌کرد. آیت‌الله سبحانی با درآمد‌های مرفه و منبر و غیره تازه توانست خانه‌ای معمولی در یکی از کوچه‌های خیابان صفاییه تهیه کند. حتی مراجع تقلید آن روز، خانه‌های محقر و قدیمی داشتند. زندگی‌ها تقریباً هم‌سطح بود؛ مثلاً طلاب تهرانی که به تهران رفت و آمد داشتند، می‌دیدند، با همان اتوبوس که آنها با خانواده خود سوار شده‌اند، علامه طباطبایی هم عازم تهران است. طلبه این وضع را که می‌دید احساس می‌کرد، این راه، راه دنیا و رفاه نیست. خانواده‌ها هنگامی که آنها را

می‌دیدند، می‌فهمیدند تحقیری در کار نیست. اما امروز وضع دگرگون شده است و فاصله طبقاتی میان ما هم رو به رشد است. این است که گاهی برای خانواده‌ها غیرقابل تحمل و آزاردهنده است.

■ ویژگی یک مباحثه خوب چیست؟ بهترین هم‌مباحثه‌ای‌های شما در دوران تحصیل چه کسانی بودند؟

مباحثه خوب و سودمند دو شرط لازم دارد: یکی اینکه هر دو جدی و منظم باشند و دیگر اینکه مقتید به مطالعه قبل از مباحثه باشند. علاوه بر این باید هم‌مباحثه‌ای را انتخاب کرد که علاوه بر مذهب بودن، جدی‌تر و دقیق‌تر از خود شخص باشد؛ زیرا در این صورت است که همواره به فکر این است که خود را به او برساند و این مساله باعث ترقی می‌شود. اگر گاهی هم‌مباحثه‌ای انسان در سطح پایین‌تری بود، باید مانند یک استاد به فکر بالا بردن او باشد. این کار یک نتیجه دارد: آن‌هم اینکه هر دو ورزیده می‌شوند، یکی از آسیب‌ها در این زمینه این است که وقتی طلبه‌ای با طلبه پایین‌تر از خود مباحثه کرد، کم‌کم باور می‌کند که خود کفا شده است؛ در حالی که این‌طور نیست.

بنده هم‌مباحثه‌ای مقطعی و گاه‌گاهی داشتم که فعلاً وضع آنان را خوب به خاطر ندارم؛ اما هم‌مباحثه‌ای که سال‌ها با او بوده و از او بهره‌مند شده و پس از ترک درس و مباحثه هم، همچنان با او بوده و هستم، آیت‌الله سیدمحمسن خرازی است. هنگامی که به قم آمدم و هنوز از دواج نکرده بودیم، دوسه سال با هم زندگی می‌کردیم و پس از آن هم خیلی با هم مأنوس بودیم. از الطاف الهی بر حقیر این بوده که در سایه این عزیز بوده و هستم. مختصر عرض کنم او در درس خواندن، تدریس و تقیید به شرع و اخلاق و آقایی و گذشت و به فکر دیگران بودن می‌تواند برای همگان الگو و سرمشق باشد.

■ اگر به دوران جوانی بازمی‌گشتید، دوست داشتید چه فعالیت جدیدی را انجام دهید؟

آرزو بر جوانان عیب نیست، نه پیران. اگر امروز آغاز ورودم به حوزه بود سعی می‌کردم کتاب‌های درسی حوزه را کامل و نه نیمه‌تمام، نزد استادانی که مسلط به این کتاب‌ها و مباحث باشند، بخوانم و مباحثه کنم و کم‌کم به تدریس آنها بپردازم. البته تنها به این بسنده نمی‌کردم، بلکه در کنار آن درس‌ها، با قرآن و حفظ قرآن و تفسیر قرآن مأنوس می‌شدم و خود را به یادداشت کردن هر مطلب جالب علمی و اضافی و مطالب دیگر عادت می‌دادم و تصمیم می‌گرفتم زبان عربی و مکالمه آن را یاد بگیرم و با وضع عمومی جهان هم از راه مطالعه برخی کتاب‌های مطمئن آشنا باشم. جوانی گذشت؛ اما اکنون که در یک همایش جهانی و بین‌المللی شرکت می‌کنم و می‌بینم به خاطر مسلط نبودن به زبان عربی یا غیر آن نمی‌توانم بر شرکت‌کنندگان همایش اثرگذار باشم، تأسف می‌خورم. هنگامی که می‌بینم برخی به خاطر تسلط بر زبان جلسه را مسخر خود کرده‌اند و با این که سطح علمی خوبی ندارند، حرف اول را و گاهی حرف نادرست را می‌زنند، غصه می‌خورم. هنگامی که با برخی از

علمای اهل تسنن روبرو می‌شوم و می‌بینم آنها بر قرآن مسلط هستند و من تا حدی بیگانه‌ام، شرمند می‌شوم. زمانی که به برخی از مطالب مطالعه کرده‌ام قبل نیاز پیدا می‌کنم و محل و مدرک آن را به خاطر ندارم، خود را سرزنش می‌کنم که چرا یادداشت نکرده‌ای. اگر پس از سال‌ها در حوزه بودن، هنوز ندانم که در جهان چه می‌گذرد و من در برابر آن چه وظیفه‌ای دارم، جای بسیار شگفتی است. روحانی باید از حیث درس‌های حوزوی باسواد و ملا باشد. افزون بر این باید از وضع جهان آگاهی داشته باشد تا محافلی که پیش می‌آید بتواند انجام وظیفه کند.

منتخب

■ جوانی گذشت؛ اما اکنون که در یک همایش جهانی و بین‌المللی شرکت می‌کنم و می‌بینم به خاطر مسلط نبودن به زبان عربی یا غیر آن نمی‌توانم بر شرکت‌کنندگان همایش اثرگذار باشم، تأسف می‌خورم.

■ جامعه از طلبه انتظار دارد که در تمام شؤون، نظم و آراستگی و صداقت و امانت را رعایت و هیچ قدم انحرافی بر ندارد و دنبال دنیا و مظاهر دنیوی نباشد.

■ بهترین کتاب‌هایی که برای مطالعه خود سودمند می‌دانم، کتاب‌های اخلاقی مؤثر مانند کتاب ارجمند اربعین امام خمینی (ره) است.



■ از نگاه شما فرصت‌ها و تهدیدهای اخلاقی و علمی‌ای که در مسیر طلاب جوان وجود دارد چیست؟

فرصت‌هایی که امروز در اختیار طلبه‌ها است، به خواب طلبه‌های دوران ما هم نمی‌آید. در دوران ما تحصیل با سختی و مرارت همراه بود. طلاب برای تهیه یک کتاب درسی گاهی در زحمت بودند. برای مطالعه در سالن برخی کتابخانه‌ها باید از هم سبقت می‌گرفتند که کتاب تمام نشود یا برای مطالعه بی‌جا نمانند و ...؛ اما مسائل و آسیب‌ها هم بسیار کمتر از این زمان بود. به نظر بنده امروز بزرگ‌ترین آسیب برای طلبه‌ها و دانشجویان مطالبی است که از طریق رسانه‌هایی که در اختیار همگان است، وارد ذهن آنها می‌شود و زمینه فساد و آلوده‌شدن و آشفته‌شدن را فراهم می‌سازد. معروف است که برای پاکی و پاک‌ماندن، باید درب دل نشست و مانع ورود مطالب ناصحیح و ناشایسته شد.

■ ویژگی‌های «زی طلبگی» چیست؟ زندگی یک طلبه چه تفاوتی با سایر مردم دارد؟

زی طلبگی مظاهر و مراحل و مراتب دارد. کمال آن به این است که زندگی و مشی طلبه، چهار خواسته را درست اجابت کند:

۱. خواسته پدر، مادر، خویشان، همسر و فرزندان این است که طلبه در میان آنها از حیث گذشت و اخلاق و دیانت نمونه باشد.
۲. جامعه از طلبه انتظار دارد که در تمام شؤون، نظم و آراستگی و صداقت و امانت را رعایت کند و هیچ قدم انحرافی برندارد و دنبال دنیا و مظاهر دنیوی نباشد.

۳. حوزه از طلبه می‌خواهد که از برخی کارها که برای دیگران بی‌اشکال است؛ اما مناسب لباس طلبگی نیست؛ دوری کند.

۴. امام زمان (عج) از طلبه می‌خواهد که باعث سربلندی و افتخار باشد، نه سرافکنندگی و شرمساری.

اگر او این امور را مراعات کرد، از زی طلبگی خارج نشده و در صورتی که برخی از این لوازم را نادیده بگیرد، به همان اندازه از مسیر و زی طلبگی خارج شده و ممکن است موجب خسران‌هایی هم شود.

■ این روزها چه کتابی را در دست مطالعه دارید؟

آیت‌الله مشکینی (ره) در سال‌های آخر عمر مشغول تألیف تفسیر قرآن مجید به زبان فارسی بودند و توفیق نوشتن تفسیر هجده جزء از قرآن مجید نصیب ایشان شد که در پنج جلد آماده نشر است. پیشنهاد شد که بنده تفسیر دوازده جزء باقیمانده را با اصل قرار دادن ترجمه قرآن ایشان، در دو جلد تهیه و تنظیم کنم. بیش از یک سال است که به این کار همت گماشته‌ام و کارهای نهایی آن در دست انجام است تا در دو جلد به ضمیمه آن پنج جلد منتشر شود. امیدوارم این نسخه مانند اصل آن استفاده شود و نام بنده هم در ردیف ارادتمندان به قرآن مجید ثبت شود. در شرایط کنونی بهترین کتاب‌هایی

که برای مطالعه خود سودمند می‌دانم، کتاب‌های اخلاقی مؤثر مانند کتاب ارجمند اربعین امام خمینی (ره) است. احادیث و بحث‌های اخلاقی این کتاب، به شرط اینکه به آن عمل کنیم، بسیار اثرگذار و راهگشاست.

■ تبلیغ چه جایگاهی در زندگی حضرت عالی داشته است؟ طلاب جوان چگونه می‌توانند میان تحصیل و کسب علم و انجام امر تبلیغ جمع نمایند؟

هیچ روحانی‌ای نباید خود را از انجام تبلیغ معاف بداند. تبلیغ را می‌توان مکمل برنامه‌های تحصیلی و درس و تحقیق خود قرار داد. نمونه روشن این روش تبلیغ مرحوم آیت‌الله شهید مطهری است

که همراه با تبلیغ، کار علمی و پژوهشی انجام می‌داد. البته همان‌طور که فرموده‌اند عمل یک روحانی می‌تواند بهترین تبلیغ دین و موجب ارادت مردم به دین و دین‌داری شود؛ چنان‌که گفته‌اند: دودست گفته چون نیم کردار نیست.

■ نسبت طلبه امروز با سیاست و مسائل انقلاب اسلامی از جمله حفظ میراث امام خمینی (ره) و ارتباط با دیدگاه‌های مقام معظم رهبری را بیان فرمایید.

مشکل این است که در این موضوع هر کس دیدگاه خود را، شرعی و صحیح می‌داند. کسی که نظام را مشروع نمی‌داند، کسی که بدگویی می‌کند، آنکه بی تفاوت است، آنکه حمایت می‌کند؛ اما گویا معتقد است که هدف وسیله را توجیه و تجویز می‌کند و بنابراین با تکیه به شایعات، خلاف واقع می‌گوید، به مخالف خود هر نسبتی می‌دهد و با آبروی اشخاص بازی می‌کند. آنکه نسبت به افراد، گروه‌ها و احزاب دید مطلق دارد، یعنی فلان شخص یا گروه یا حزب در هر شرایطی هر چه بگویند خلاف واقع و مضر به نظام است و فلان شخص و فلان گروه هر چه بگوید و انجام دهند، صحیح و به نفع نظام است. آنکه خود را حق مطلق و مخالف خود را باطل مطلق می‌داند و فکر می‌کند همه خوبی‌ها در او جمع و همه زشتی‌ها در طرف مقابل است.

همه اینها عمل و دید خود را شرعی می‌پندارند؛ اما برای اهل انصاف روشن است که نظامی برای پیاده کردن اسلام تأسیس شده است؛ پس کلیت آن همواره باید مورد حمایت و تأیید و کمک باشد؛ اما در اجرا در گوشه و کنار گاهی آن‌طور که اسلام می‌خواهد، عمل نمی‌شود. وظیفه روحانی آگاه این است که جهات موافق با شرع را تقویت و تبلیغ نماید و آنچه بر خلاف آن است را علاوه بر اینکه تأیید نمی‌کند در صورت لزوم به قصد اصلاح انتقاد نماید. اگر ربا هست، اگر در ورزش فساد دیده می‌شود، اگر اختلاط زن و مرد در ادارات کشور و مراکز آموزشی هست و بر آن اصرار ورزیده می‌شود و مانند اینها، طلبه باید تأیید نکند و هشدار دهد و انتقاد کند.

کسانی که مایل هستند امام و نام امام و نظام و ارکان آن از جمله ولایت فقیه باقی بمانند، باید بدانند اعتدال، رعایت احکام اسلام، رعایت اخلاق اسلامی، حتی با مخالفان و خلاصه مقیدبودن به شرع به معنی واقعی و جامع آن می‌تواند نظام و امام و رهبری را بیمه کند و در غیر این صورت، باید منتظر خسارت‌های جبران ناپذیر بود؛ زیرا دشمن خارجی و سلطه‌گران خواب نیستند و اسلام می‌تواند آنان را تأمین کند نه نام اسلام و عمل غیراسلامی.

اللهم صلح کل فاسد من امور المسلمین.

منتخب

■ زندگی‌ها تقریباً هم‌سطح بود؛ مثلاً طلاب تهرانی که به تهران رفت و آمد داشتند، می‌دیدند با همان اتوبوسی که آنها با خانواده خود سوار شده‌اند، علامه طباطبایی (ره) هم، عازم تهران است. طلبه این وضع را که می‌دید احساس می‌کرد که این راه، راه دنیا و رفاه نیست.

■ باید هم‌مباحثه‌ای را انتخاب کرد که علاوه بر مهذب‌بودن، جدی‌تر و دقیق‌تر از خود شخص باشد؛ زیرا در این صورت است که همواره به فکر این است که خود را به او برساند و این مسئله باعث ترقی می‌شود.